یادداشت

خاطرات یک دیپلمات

۱۵۵ روایت گمشده

فاروق الشرع / وزیر خارجه سابق سوریه
مترجم: حسین جابری انصاری

سفر هیأت ایرانی به دمشق

هیأتی مرکب از وزرای خارجه تروئیکا اروپایی (ایتالیا، هلند، لوکزامبورگ) در دومین روز برگزاری جلسات کشورهای اعلامیه دمشق، از سوریه دیدار و ابراز تمایل کرد با وزرای خارجه هشت کشور نشست داشته باشد.

میز مذاکرات یازده ضلعی و در گفت وگوهایی که انجام شد دیدگاه‌های مختلف در مرحله پسا آزادی کویت و کنفرانس پیش روی صلح، بررسی شد. کنفرانسی که اروپایی‌ها مایل بودند نقشی اساسی در آن داشته باشند. همچنین روابط اقتصادی دو طرف عربی و اروپایی و افق‌های پیشبرد آن بررسی شد تا زمینه گسترده تری برای همکاری در تمامی حوزه‌ها فراهم شود. بحث‌های زنده بیشتر وزرای خارجه عرب و اروپایی در این نشست، خالی از سرزنش یکدیگر و پرداختن به مسأله فلسطین نبود.

هیأتی از ایران به ریاست حسن حبیبی معاون اول رئیس‌جمهوری و علی اکبر ولایتی وزیر خارجه ایران، عصر همان روز درخواست کردند فردا از دمشق دیدار کنند.

هیأت ایران بلافاصله پس از ورود با رئیس‌جمهوری اسد دیدار کرد که تازه ملاقات خود را با وزرای خارجه کشورهای اعلامیه دمشق، به پایان رسانده بود. مذاکرات هیأت ایران در دمشق بر انتفاضه فلسطین و فرجام آن و اهمیت انتفاضه مردمی در جنوب عراق تمرکز داشت که چند روز پیش درگرفته و از پوشش رسانه‌ای درخور برخوردار نشده بود.

این فضا، امریکایی‌ها را نیز برانگیخت و جیمز بیکر وزیر خارجه ایالات متحده عازم ریاض شد که هوای گرم تری از دمشق داشت. بیکر ترجیح داده بود در این شلوغی، به دمشق نیاید و سرما نخورد! در این شرایط، پادشاه عربستان با رئیس‌جمهوری اسد تماس گرفت و با اعلام دل‌نگرانی‌ها و امیدهایش برای بازگشت شیخ جابر الصباح امیر کویت از تبعیدگاه خود در طائف به کشورش در همان روز یا روز پسین و اشاره به بهبود و معتدل شدن نسبی وضعیت هوا در ریاض از اسد خواست نشست وزرای خارجه اعلامیه دمشق در پایتخت سعودی برگزار شود.

رئیس‌جمهور، تلفنی گفت وگوی ملک فهد با خود را به من اطلاع داد و گفت برای اینکه حال بیکر و نه پادشاه عربستان را بگیریم، به آنها پیشنهاد کنید نشست ریاض حداقل برای یک روز به تعویق افتد. این ایده را پسندیدم و از امیر فیصل خواستم زمان نشست ریاض با توجه به حضور میهمانانی در دمشق که مناسب نیست به آنها کم توجهی شده و گفت وگوها با آنها ناتمام گذاشته شود، به تعویق انداخته شود.

با توجه به پیشنهاد تعویق انداختن نشست، دیرهنگام به فرودگاه ریاض رسیدم. سعود الفیصل که خود رانندگی اتومبیل را برعهده داشت و من در کنارش نشسته بودم گفت: «خادم حرمین شریفین می‌خواهد شما را پیش از نشست جمعی وزرا ببیند و موضوع ضرورت نداشتن بخش امنیتی اعلامیه دمشق را در میان گذارد.

امیدوارم وضعیت را درک کنید، چون جناب پادشاه مرا به‌خاطر این بخش اعلامیه دمشق سرزنش کرده و من هم برای اینکه نتایج اجلاس را خراب نکنم، به او توضیح ندادم که نسبت به این پاره از اعلامیه، از همان آغاز ملاحظه داشتم». فاصله فرودگاه تا شهر ریاض چندان کوتاه نیست. از همین رو درباره این بخش از اعلامیه دمشق، بحث و گفت وگوی درازی انجام دادیم؛ اما به نتیجه‌ای نرسیدیم چون اراده ملک فهد بر حذف بخش امنیتی اعلامیه‌ای قرار گرفته بود که نام آن به پیشنهاد وزیر خارجه پادشاهی عربستان برگزیده شده بود.

■ حذف بخش امنیتی بیانیه دمشق

ملک فهد در ملاقات براساس عادت همیشگی اش، سخنگویی چرب زبان و نرم گو بود که حرف خود را با قصه و روایت‌های زیبا مقدمه چینی کرد و سپس گفت: «مردمان آبروی ما را بردند! می‌گویند سعودی با ۱۹ میلیون جمعیت، از دیگری - هر که می‌خواهد باشد - حمایت امنیتی طلب می‌کند؟ لطفاً به رئیس‌جمهوری اسد این پیام مرا منتقل کنید که موضوع امنیتی را از اعلامیه دمشق حذف کنیم.

ما می‌دانیم که حکومت و ارتش سوریه در صورت درخواست ما در هر زمانی، در دراز کردن دست خود برای کمک به ما کوتاهی نخواهد کرد». در جریان نشست دمشق بحثی درازدامن درباره بعد امنیتی اعلامیه انجام شده بود و من در سخنان خود بر مفاهیم امنیت مشترک میان کشورهای ما و تشکیل هسته استواری برای امنیت جهان عرب، اصرار داشتم.

به ملک فهد گفتم: حضور سوریه و مصر در کنار شش کشور شورای همکاری برای بی‌نیازی از نیروهای بیگانه کافی است، یا حداقل به ما کمک می‌کند بتوانیم مأموریت بیگانگان را در هنگامه‌هایی که ضرورتی جدی حضور آنها را الزامی می‌کند، برای ملت هایمان توجیه کنیم. اندکی بعد، دلایل حذف بخش امنیتی «اعلامیه دمشق» پیش از آنکه جوهر آن خشک شود، آشکار شد و بیکر با این توجیه که برنامه‌های دیگری دارد، خواستار نشست فوری با وزرای کشورهای هشت گانه امضا کننده اعلامیه دمشق شد.

بیکر با وزرای خارجه کشورهای «اعلامیه دمشق» یعنی شش کشور شورای همکاری و سوریه و مصر تشکیل جلسه داد. هیأت امریکا در این نشست، بزرگ و دنیس راس و تیم برنامه‌ریزی سیاسی وزارت خارجه امریکا از شاخص ترین اعضای آن بودند.

بیکر از این سخن گفت که زمان آن رسیده است که نوعی همکاری منطقه‌ای مشابه «توافق هلسینکی» - در سال ۱۹۷۵ میان شرق و غرب - و به دور از اختلاف نظام‌های سیاسی و اجتماعی کشورهای خاورمیانه، شکل گیرد. بیکر همچنین از نقش اسرائیل که موشک پراکنی تحریک‌آمیز صدام در جریان جنگ کویت را بی‌پاسخ گذاشته بود، سپاسگزاری کرد.

برخی وزرای خارجه عرب سخنان پراکنده‌ای گفتند، اما من سخن خود را متوجه درون مایه اصلی سخن بیکر کردم که آمیختن اسرائیل در میانه سخن خود از همکاری منطقه‌ای شرق و غرب بود. به بیکر گفتم: وضعیت میان عرب‌ها و اسرائیل با وضعیت میان غرب و شرق متفاوت بوده و اسرائیل، سرزمین‌های عربی را اشغال کرده است.

بر همین اساس اگر می‌خواهیم سازشی ایجاد شود، نخست می‌بایست پایان اشغال سرزمین‌های عربی و تضمین حقوق مشروع ملت فلسطین از جمله حل مشکل آوارگان، در دستور کار قرار گرفته و کنفرانس صلح بین المللی فراگیر - و نه کنفرانس همکاری منطقه‌ای - با حضور همه طرف‌ها و زیر نظر ایالات متحده و اتحاد شوروی برگزار شود.

هیأت امریکا که احساس می‌کرد این موضع من از سوی هیچ یک از دیگر شرکت کنندگان در نشست ریاض و اعلامیه دمشق، حمایت نمی‌شود، اعلام کرد ترجیح می‌دهد این موضوع را در نشست دوجانبه‌ای بررسی کند که بلافاصله پس از این نشست با هیأت سوری خواهد داشت. احساس من هم این بود که در این موضع خود تنها هستم.

بیکر با گفتن این جمله به نشست ریاض پایان داد که سفرهای پرشماری به پایتخت‌های جهان در انتظار او است. جدای از کوتاهی یا بلندی زمان نشست ریاض، پیامی که می‌خواستم به طرف امریکایی برسانم، آشکارا رسیده بود.

دور نما

فیگارو (فرانسه)

از دیدگاه چین، پیشگویی شی جین پینگ درباره افول امریکا، با خروج این کشور از افغانستان در حال محقق شدن است. از همین‌رو رسانه‌های رسمی چین به تایوانی‌ها هشدار دادند آنچه در افغانستان می‌بینند، آینده آنها است. هرچند بایدن تلاش می‌کند این تصور را از اذهان پاک کند اما واقعیت آن است که در نبرد ژئوپلیتیکی به پکن باخته است.

واشنگتن پست (امریکا)

دو سال و نیم پس از اعلام شکست داعش در سوریه، این گروه تروریستی که به نظر می‌رسید، تنها هسته‌های کوچکی از آن باقی مانده باشد، دیگر بار تجدید قوا کرده و اخیراً در مناطق کردنشین شمال شرقی سوریه، دست به چندین عملیات زده است. تصور می‌شود در حال حاضر بین ۸ تا ۱۶ هزار داعشی در سوریه و عراق حضور داشته باشند.

پاکستان تودی (پاکستان)

سفیر پاکستان در امریکا در مصاحبه‌ای گفته است، اسلام‌آباد در تلاش است نظارت کاملی بر اجرای تعهدات حقوق بشری خود در قبال افغانستان داشته باشد و همچنین خود را متعهد به آن می‌داند که اجازه ندهد از خاک افغانستان علیه هیچ کشور دیگری استفاده شود. ضمن اینکه اگر طالبان به وعده‌های خود پایبند باشد، آن را به رسمیت می‌شناسد.

افشاگری جدید درباره خطر آخرین روزهای ترامپ

AP

بنفشه غلامی/ هشت ماه پس از خروج «دونالد ترامپ» از کاخ سفید، «باب وودوارد»، روزنامه‌نگار مشهور امریکایی که به دلیل نگارش کتاب‌هایش با رؤسای جمهوری امریکا و مقامات کاخ سفید ارتباط تنگاتنگی دارد، در جدیدترین کتابش فاش کرده است که رئیس جمهوری سابق امریکا تا چه حد می‌توانسته خطرناک باشد و این خطر هنوز هم وجود دارد.

به گزارش سایت شبکه خبری «سی‌ان‌ان»، باب وودوارد و رابرت کاستا، خبرنگار واشنگتن پست این کتاب که عنوان «خطر» را برای آن برگزیده‌اند، بر اساس بیش از ۲۰۰ مصاحبه با شاهدان دست اول کاخ سفید و پنتاگون تهیه و تدوین کرده و تصویری کامل و البته وحشتناک از آخرین روزهای حضور ترامپ درکاخ سفید ارائه داده‌اند. آنها در این کتاب شرح داده‌اند که چگونه جمهوریخواهان ارشد امریکا در آخرین ماه‌های حضور ترامپ در کاخ سفید، تلاش کردند خروج بی نقصی را برای او رقم بزنند و اجازه ندهند با اقداماتش، خود و حزب جمهوریخواه را به دردسر افکند. از همین رو «خطر» پر از صحنه‌هایی از عصبانیت و تماس‌های تلفنی هیجان زده مقامات و جمهوریخواهانی است که تلاش می‌کنند تا ضمن حفظ رابطه خود با ترامپ، وضعیت در کاخ سفید را بدتر از آنچه که هست، نکنند.

■ دستور ژنرال میلی برای نافرمانی از ترامپ

یکی از این افراد، ژنرال «مارک میلی» است، مردی که رئیس ستاد مشترک امریکا در دوره ترامپ بود و هنوز هم این سمت را در دست دارد. وودوارد و کاستا در کتاب خود نوشته‌اند که «مارک میلی» از حمله ۶ ژانویه بشدت متأثر شده و مطمئن بود که ترامپ نیز دچار افت روحی شده است. او شاهد بود که ترامپ چگونه از فرط خشم بر سر مقامات فریاد می‌کشد و همگان را متهم به توطئه‌های انتخاباتی می‌کند.

روز ۸ ژانویه یعنی تنها دو روز پس از حمله ۶ ژانویه به کنگره امریکا، جلسه محرمانه‌ای در دفتر خود در پنتاگون برگزار کرد و به همراه عالی‌ترین فرماندهان خود اقدامات احتمالی ترامپ از جمله پرتاب موشک‌های هسته‌ای به سمت چین را مورد بررسی قرار داد. او در پایان این جلسه به فرماندهان خود دستور داد تا از هیچ کسی ولو شخص ریاست جمهوری امریکا (دونالد ترامپ) دستور نگیرند و اگر هم او دستوری برای هر حمله ای صادر کرد، از آن سرپیچی کرده و به وی آنچه را که به آنها دستور داده شده، اطلاع دهند تا درباره آن تصمیم بگیرد. او به آنها تأکید کرد: «مهم نیست این دستور چه باشد. هرچه که بود من باید در جریان آن قرار بگیرم.» او سپس رخ به رخ تک تک این فرماندهان ایستاد و از آنها خواست تأیید کنند که متوجه دستور او شده‌اند.

■ ترامپ دیوانه شده

بر اساس اطلاعاتی که وودوارد و کاستا در «خطر» ارائه کرده‌اند، نگرانی‌های میلی از شرایط تا آنجا پیش رفت که دو بار با همتای چینی خود تماس گرفت و به وی اطمینان داد که امریکا به چین حمله نخواهد کرد و اوضاع در امریکا کاملاً تحت کنترل است. اولین تماس او با «لی ژو چنگ» ۴ روز قبل از انتخابات و دومین تماس وی ۲ روز بعد از حمله به کنگره امریکا بود. او در تماس دوم به همتای چینی خود اطمینان داده بود، اگر بنا باشد حمله‌ای صورت گیرد، پیش از آن وی به او درباره آن اطلاع خواهد داد تا حمله غافلگیرانه نباشد. ژنرال میلی بلافاصله بعد از حمله ۶ ژانویه به کنگره امریکا، تماسی هم از «نانسی پلوسی» رئیس مجلس نمایندگان دریافت کرد که مانند او نگران استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بود. پلوسی در این تماس با هیجان به او گفت: «می‌دانید که او دیوانه است. همیشه دیوانه بوده و کاری که دیروز انجام داد، سند دیگری از دیوانگی اوست.» و میلی پاسخ داد: «در همه چیز با شما موافقم.» و بعد تلاش کرد به او اطمینان خاطر دهد که اجازه ندهد ترامپ از سلاح‌های غیر متعارف امریکایی استفاده کند. او بعد از این تماس بود که تصمیم گرفت بیشتر از قبل کنترل اوضاع را در دست بگیرد پس با جینا هاسپل، مدیر وقت سیا و پل ناکسون، مدیر آژانس امنیت ملی نیز تماس گرفت و از آنها نیز خواست مراقب همه چیز باشند. در این تماس‌ها هاسپل نیز به میلی گفته بود: «ما در مسیر کودتای راستگرایان هستیم.»

■ ترامپ: خیانتکار باید مجازات شود

در پی انتشار برخی بخش‌های کتاب «خطر»، دونالد ترامپ به آن واکنش نشان داد. به گزارش «دیلی بیست»، ترامپ غروب سه‌شنبه، تلفن را برداشت به شماری از متحدان سیاسی و رسانه‌ای خود زنگ زد و از آنان خواست این هفته در تلویزیون اعلام کنند که ژنرال مارک میلی باید به دلیل خیانت دستگیر شود. و البته آنها نیز این درخواست را پذیرفتند و ترامپ در یکی از برنامه‌های ویدیویی وب سایت «نیوز مکس» حاضر شد و بعد از اینکه ژنرال میلی را رهبر شکست خورده بدترین عملیات خروج نظامیان امریکایی از یک کشور دیگر خواند، گفت: «اگر این چیزها حقیقت داشته باشد که البته باورش برایم سخت است که میلی با چین تماس گرفته باشد و به آنها درباره حمله احتمالی هشدار داده باشد، این یک خیانت است و باید مجازات شود.» در همین ارتباط سناتور مارکو روبیو نیز در نامه‌ای به جو بایدن، از او خواست میلی را بابت افشای اطلاعات طبقه‌بندی شده درباره عملیات‌های نظامی امریکا برکنار کند. آلکساندر ویندمن، سرهنگ بازنشسته‌ای که در زمان استیضاح اول ترامپ در کنگره شهادت داد نیز گفت: «اگر این ادعاها درست باشند، میلی باید استعفا دهد. زیرا زنجیره فرماندهی را شکسته و اصل مقدس کنترل غیرنظامی بر ارتش را نقض کرده است.»

اما مقامات پنتاگون سخنان ترامپ و دیگرانی که معتقدند میلی از حد و حدود اختیارات خود عبور کرده را رد کرده‌اند. آنها در گفت‌وگو با «فاکس نیوز» تأکید کرده‌اند: «میلی فقط پروتکل‌ها را بازبینی کرده و پا را از زنجیره فرماندهی خود فراتر نگذاشته است.» ضمن اینکه به نوشته «سی‌ان‌ان» خود مارک میلی نیز معتقد است که این اقدامات تنها اقداماتی از سر حسن نیت بوده است تا امریکا یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی خود را ایمن پشت سر بگذارد و دوره انتقالی بین ترامپ و بایدن با آرامش بیشتری سپری شود.

■ خطر ادامه‌دار ترامپ

با این حال از نظر بسیاری از تحلیلگران امریکایی، نکته مهمی که نباید در پس هیاهوی انتشار کتاب «خطر» که هفته آینده توزیع می‌شود فراموش کرد، این است که: خطر ترامپ هنوز هم ادامه دارد. به نوشته استفان کالینسون در سایت شبکه خبری «سی ان ان»، ترامپ در حال حاضر محبوب‌ترین نامزد جمهوریخواهان برای انتخابات آتی ریاست جمهوری امریکا است. بنابراین افشاگری وودوارد و کاستا، یکی از جدی‌ترین هشدارهایی است که باید آن را شنید و به آن توجه کرد. دیگر باید تردیدی جدی نسبت به دوره چهار ساله دیگری از ریاست جمهوری احتمالی ترامپ داشت.

جزئیات فرار از زندان فوق امنیتی جلبوع

Flash90

محمود العارضه، اسیر فلسطینی که مغز متفکر فرار بزرگ گروه ۶ نفری اسرای فلسطینی در زندان فوق امنیتی جلبوع بوده است، در نخستین دیدار خود با وکلایش در درون زندان، جزئیات جدیدی از این فرار را به تصویر کشید. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری فلسطینی «سما»، محمود العارضه یکی از ۴ اسیر فراری است که دیگر بار بازداشت شده و اکنون در زندان‌های رژیم صهیونیستی به سر می‌برد، بعد از موافقت رژیم صهیونیستی با دیدار او با رسلان محاجنه، وکیلش درباره فرار از زندان جلبوع گفت که آنها سعی داشتند تا حد امکان پس از فرار وارد روستاهای فلسطینی اراضی ۴۸ نشوند تا هیچ کس مورد بازجویی قرار نگیرد. او در این گفت‌وگو تأکید کرد: «هیچ کمکی از سایر اسرای داخل زندان جلبوع نگرفتیم. من اولین برنامه‌ریز و مجری این عملیات بودم که در دسامبر ۲۰۲۰ آغاز شد. همه همراه همدیگر بودیم تا اینکه به روستای «الناعوره» رسیدیم و وارد مسجد شدیم و در آنجا دو تا دو تا از همدیگر جدا شدیم و سعی کردیم وارد کرانه باختری شویم اما تدابیر شدید امنیتی مانع آن شد. بنابراین دیگر بار در مسجد تجمع کردیم و سپس متفرق شدیم.» وی همچنین گفت: «ما به صورت تصادفی بازداشت شدیم و هیچ شخصی از الناصره گزارشی راجع به ما ابلاغ نکرد. یک گشتی پلیس در حال عبور بود و هنگامی که ما را دید، متوقف شد و اقدام به بازداشت ما کرد. تحقیق و بازجویی از همان زمان بازداشت ما تا اکنون ادامه دارد.

هنگامی که تجمع مردم در مقابل دادگاه الناصره را دیدیم، بسیار متأثر شدیم. به اهالی الناصره درود می‌فرستیم زیرا روحیه ما را بالا بردند.» این اسیر فلسطینی گفته است که در معرض شکنجه بی‌وقفه توسط بازپرسان قرار گرفتند اما حال آنها خوب است. به گزارش خبرگزاری فارس، خالد محاجنه، وکیل محمد العارضه پس از این دیدار در توصیف شرایط محمد العارضه گفت: «محمد مورد شکنجه بسیار شدید و ضرب و شتم شدید قرار گرفته است؛ سر وی به زمین کوبیده شده و تمام بدن وی زخم است و تا این لحظه درمانی دریافت نکرده است. محمد از شنبه تاکنون (چهارشنبه) مورد بازجویی شدید قرار گرفته و از آن زمان تنها ۱۰ ساعت خوابیده است. یکی از بازجویان به وی گفته «تو حق زندگی نداری، حق تو این است که گلوله به سرت شلیک شود.» به گفته وی، محمد به‌رغم تمام شکنجه‌ها و فشارها اتهامات وارده را رد و سکوت اختیار کرده و تنها به مأموران بازجویی خود گفته است که: «جرمی مرتکب نشده‌ام، در اراضی اشغالی ۱۹۴۸ گشته‌ام و به دنبال آزادی و دیدار با مادرم بودم و پس از ۲۲ سال از یکی از باغ‌های «مرج ابن عامر» میوه درخت کاکتوس خوردم.»

به گفته وکیل این اسرا، محمد تنها دیروز توانسته غذا بخورد. وی و «زکریا الزبیدی» در زمان آزادی حتی یک قطره آب ننوشیده‌اند و این باعث خستگی و ناتوانایی آنها برای ادامه مسیر شده است. پیش‌تر منابع فلسطینی اعلام کرده بودند که زکریا الزبیدی یکی از ۶ اسیر فراری از زندان جلبوع که اخیراً بازداشت شد، در نتیجه شکنجه‌ها به کما رفته است. برادر این اسیر فلسطینی نیز با تأیید وخامت حال وی خواستار آزادی فوری او شد.

گسل مهاجران افغان در حزب جمهوریخواه

گروه جهان/ در حالی که شمار قابل توجهی از نمایندگان جمهوریخواه و دموکرات امریکا و همچنین سه رئیس جمهوری سابق این کشور در تلاش برای حمایت از مهاجران افغان هستند، تعداد اندکی از مقامات دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق امریکا خواهان به راه انداختن موجی علیه این مهاجران هستند. به گزارش «آسوشیتدپرس»، استفان میلز، معمار طرح‌های مهاجرتی محافظه کارانه دولت ترامپ، در رأس این دسته از جمهوریخواهان است که معتقدند، خواهند توانست تعداد بیشتری از قانونگذاران را با خود همراه کنند و مانع حضور مهاجران افغان در کشور خود شوند. آنها معتقدند پافشاری آنها بر این موضوع می‌تواند به کمپین جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای سال آینده کنگره کمک کند. آنها در حالی در تلاش علیه مهاجران افغان هستند که جرقه آتش این مخالفت‌ها را اخیراً دونالد ترامپ روشن کرده و گفته بود: «بین این همه آدمی که به کشور ما می‌آیند، چند تروریست وجود دارد؟» این در حالی است که نظرسنجی اخیر مشترک واشنگتن پست و ای‌بی‌سی نیوز نشان می‌دهد ۶۸ درصد امریکایی‌ها از پذیرش مهاجران پس از غربالگری‌های امنیتی حمایت می‌کنند. با این حال اغلب رهبران حزب جمهوریخواه نظری متفاوت دارند و در تلاش برای کمک به این مهاجران هستند. در همین راستا، کلوب ریاست جمهوری امریکا برنامه‌ای امدادی برای استقبال و حمایت از پناهجویان افغان راه‌اندازی کرده است که در رأس آن جورج بوش جمهوریخواه و همسرش در کنار بیل کلینتون و باراک اوباما و همسرانشان هیلاری کلینتون و میشل اوباما به عنوان رؤسای افتخاری گروه با عنوان «به امریکا خوش آمدید» دیده می‌شوند.

تحلیل روز

دولت فعلی توکیو رفتنی است اما...

ژاپن جای پایش را در خاورمیانه محکم می‌کند

محمد سلیمان، کارشناس سیاست‌های بین‌الملل
الیوت سیلوربرگ، متخصص مطالعات امنیت ملی
مترجم: وصال روحانی

توشی میتسو موته‌گی، وزیر خارجه ژاپن ماه پیش به مصر، فلسطین، ایران، اردن، افغانستان، ترکیه، عراق و قطر سفر کرد تا در زمینه مسائلی مانند امنیت در خاورمیانه و راه‌های مبارزه با کرونا با مقام‌های این کشورها مذاکره و به آنها اطمینان بدهد که هر کمکی را در این راه به آنها ارزانی خواهد داشت. در توکیو اما دولت یوشیهیده سوگا با مشکلات بزرگی مواجه است که انجام وعده فوق را سخت می‌سازد. دولت وی که فقط یک سال از روی کار آمدن آن می‌گذرد، هم در زمینه شکوفا کردن اقتصاد کشور با مشکلات عمده‌ای برخورد کرده و هم نتوانسته جولان «کووید۱۹» را که بر برپایی بازی‌های اخیر المپیک در توکیو تأثیرهایی منفی نهاد، محدود کند. با این حال، سیاستمداران در توکیو معتقدند، شرایط فعلی در خاورمیانه چنان حساس و ناپایدار است که ژاپن حتی اگر بتواند نیمی از وعده‌های وزیر خارجه‌اش را عملی کند، یکی از برنده‌های معادلات خاورمیانه خواهد بود و جای پای خود را در این منطقه حساس محکم‌تر خواهد کرد. تارو کونو، وزیر خارجه و وزیر دفاع سابق ژاپن نیز که گزینه نخست جانشینی سوگا و احراز پست نخست وزیری این کشور است، در ثمر دادن نسبی تلاش‌های اخیر امریکا برای برقراری گفت‌وگو با چند دولت خاورمیانه نقش بارزی داشته است و حتی اگر معتقد باشیم شانس فومیو کیشیدا، وزیر خارجه ژاپن در دولت دیرپای آبه شینزو برای تصدی پست نخست وزیری ژاپن بیشتر از کونو است، وی را نیز سیاستمداری می‌یابیم که از متخصصان مسائل خاورمیانه و یک کارشناس در این زمینه است. گفته می‌شود آبه شینزو که حکومتش ۸ ساله بود، شخصاً مایل است که سانایی تاکاییچی که در دولت وی حائز پست وزیر کشور بود، جای سوگا را بگیرد و در این صورت هم مردی در توکیو به قدرت خواهد رسید که خاورمیانه را نیک می‌شناسد و در همه حال ژاپن می‌تواند امیدوار به خلق موقعیت‌هایی تازه برای خود در معادلات بین‌الملل باشد. البته ژاپن در این زمینه‌ها و برقراری تعامل‌ها و انجام میانجیگری‌ها در خاورمیانه بدون پیشینه نیست و ۲۰ سال پیش که امریکا با گسیل خیل سربازانش به افغانستان و عراق کوشید بخش هایی از خاک این کشورهای استراتژیک و مهم را به بهانه مبارزه با تروریسم اشغال کند، هم با نظامیان امریکایی راه آمد و هم به دولت‌های منطقه اطمینان داد که کمک‌های لازم را از آنها دریغ نخواهد کرد. در زمان بالا گرفتن تنش‌های کاخ سفید با دولت‌های چین و کره شمالی نیز دولت توکیو در قالب یک مذاکره‌گر مجرب بخشی از گره‌های موجود را گشوده است.

البته وضعیت خاورمیانه هم اکنون بسیار حساس‌تر و پیچیده‌تر از گذشته است و از آنجا که بحث چگونگی انتقال نفت این منطقه به مناطق مختلف جهان یک مسأله حساس سیاسی نشان می‌دهد، ارائه هرگونه راهکاری از سوی توکیو باید با ظرافت‌های بسیار همراه باشد. آنچه بر این ظرافت‌ها و پیچیدگی‌ها می‌افزاید، این نکته است که امریکا با وجود شکست سیاسی- نظامی بزرگ اخیرش در افغانستان، وارد دور تازه‌ای از جنگ سرد شده که این بار متمرکز بر چین است. از دید دولت جو بایدن، چین نه تنها با قبضه کردن بازارهای امریکا و بخشی از اروپای غربی، اقتصاد امریکا را نالان‌تر ساخته که با هر چه بیشتر نزدیک‌تر شدن به دولت عراق و سوریه و مذاکره با طالبان در افغانستان درصدد گشایش بازارهای تازه‌ای برای خود در خاورمیانه است و اگر مهار نشود، بسان اتحاد جماهیر شوروی سابق، امریکا را در یک حالت انفعالی دیرپا قرار خواهد داد.

ژاپنی‌ها امیدوارند سفر اخیر وزیر خارجه‌شان به خاورمیانه به طرف‌های افغانی و عراقی این اطمینان را بخشیده باشد که آنچه چینی‌ها وعده تحقق آن را به عراق و افغانستان داده‌اند، توسط ژاپن هم قابل تأمین و تحقق است. در این صورت دولت جدید ژاپن می‌تواند از امریکا هم بابت تسهیل در حضور واشنگتن در جایگاهی مناسب در کابل و بغداد لااقل طی سه چهار سال پیش رو امتیازاتی بگیرد. ژاپن از عراق و افغانستان خواسته است در ازای کمک‌هایی که از توکیو خواهند گرفت، عملیات گروه‌های تروریستی مستقر در این کشورها را محدود سازند و خود به وسایل تنش‌زدایی در منطقه تبدیل شوند. چیزی که امریکا با وجود لشکرکشی طولانی مدت به منطقه به آن نائل نشد و تنها شاهد فرار توأم با سرشکستگی نیروهای نظامی‌اش از کابل بود. با توجه به اینکه دولت بایدن متعهد شده حداکثر تا دو ماه دیگر خاک عراق را هم تخلیه کند، ژاپن از حالا درصدد برنامه‌ریزی برای پر کردن بخشی از جای خالی شده امریکایی‌ها در این کشور است. ژاپن رقبایی هم در این زمینه دارد و به عنوان مثال فرانسه و هند نیز باب گفت‌وگو با دولت‌های عراق، افغانستان، امارات و بحرین را گشوده‌اند اما اگر دولتی در توکیو سر کار آید که مستحکم‌تر از دولت در حال کناره‌گیری سوگا باشد، بخت‌اش برای تبدیل شدن به یکی از مهره‌های اصلی بازی قدرت در خاورمیانه اندک نخواهد بود.

■ منبع: Foreign Policy